

نهادهای بین‌المللی؛ ابزار مبارزه در دست کافر علیه اسلام

(ترجمه)

اساس پیدایش قانون بین‌المللی به تجمع کشورهای اروپایی نصرانی برای ایستادگی در مقابل دولت اسلامی (عثمانی) در پایان قرن شانزدهم میلادی باز می‌گردد که بعدها منجر به ظهور جامعه‌ی ملل نصرانی شد که در اواسط قرن هفدهم پیشرفت کرد. کنفرانس وستفاليا را در سال 1648 میلادی برگزار نمود و قوانینی را وضع کرد که روابط بین‌ان‌ها را در مقابل دولت اسلامی تنظیم نماید و پایه‌های آنچه را که قانون بین‌المللی می‌نامید - که شامل دولت اسلامی نمی‌شد - پی‌ریزی کرد. تمام حقوق، وظایف و هشداری که بر سر آن توافق کردند، برای حفاظت از کشورهای اروپایی و کشورهای نصرانی بود که بعداً به آن پیوستند. اما برای دولت اسلامی و تمام مسلمانان ممنوع باقی ماند؛ چنان‌که در سال 1856 میلادی پس از اعمال شرایط سختی مانند عدم اجرای احکام اسلام در روابط بین‌الملل پذیرفته شد. قانون بین‌المللی برخاسته از جامعه‌ی ملل نصرانی، ایده‌ی توازن بین‌المللی را ایجاد کرد که مانع توسعه‌ی کشورها به ضرر دیگران شود و ایده‌ی کنفرانس‌های بین‌المللی را به‌وجود آورد که برای حفظ منافع کشورهای اروپایی، به‌ویژه بزرگترین آن‌ها برگزار می‌شود. بنابراین، اساس قانون بین‌الملل نخست برای حفظ منافع کشورهای اروپایی و سپس قدرت‌های بزرگ ایجاد شد.

پس از گسیختن زنجیره‌ی قانون بین‌الملل و نهادهای آن در طول جنگ جهانی اول، انگلیس و فرانسه به تأسیس جامعه‌ی بین‌المللی تحت عنوان جامعه‌ی ملل بازگشتند که بار دیگر همان قوانین بین‌المللی را پذیرفت که جامعه‌ی بین‌المللی نصرانی بر اساس آن استوار بود؛ از جمله توازن بین‌المللی و کنفرانس‌ها، که به عنوان ابزاری برای تثبیت وضعیت بین‌المللی تحت کنترل قدرت‌های بزرگ آن زمان مانند انگلیس و فرانسه بود. با این حال، جامعه‌ی ملل نه از طریق معاهدات و نه هم کنفرانس‌ها قادر به حفظ توازن بین‌المللی و جلوگیری از جنگ بود. جنگ‌های متعددی در گرفت که معروف‌ترین آن‌ها جنگ چین و جاپان در سال 1933 میلادی، سپس تهاجم آلمان به اتریش و چک‌سلواکیا در سال 1938 میلادی، بعد از آن لهستان در سال 1939 میلادی و تا زمانی که جنگ جهانی دوم در سال 1939 میلادی آغاز شد و جامعه‌ی ملل (نصرانی اروپایی الاصل) فروپاشید.

به محض پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای پیروز (متفقین) برای بازسازی جامعه‌ی بین‌المللی و قوانین آن در سازمان جدید به‌نام سازمان ملل شتافتند و سازمان جدیدی را تشکیل دادند که شورای امنیت سازمان ملل به عنوان ابزاری قدرتمند برای حفظ کشورهای (امریکا، انگلیس، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی و چین) که قدرت‌های بزرگ نامیده می‌شدند، به آن اضافه شد. ساختار حقوق بین‌الملل بر اساس همان پایه‌هایی گذاشته شد که قوانین جامعه‌ی ملل بر آن بنا شده بود و دیوان بین‌المللی برای آن تدوین شد. هم‌چنین سازمان تجارت جهانی و مؤسسات مالی بعدی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به منظور دستیابی به منافع مالی کشورهای مهم سرمایه‌داری تأسیس شد.

این یک مرور اجمالی از ظهور آنچه است که حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی نامیده می‌شود. آن‌ها در ابتدا پدید آمدند و ادامه یافتند تا به طور خاص حامی و مدافع مردم نصرانی باشند. این سازمان‌ها به کشتار کودکان، زنان، بمباران بیمارستان‌ها و منابع انرژی، آب و ارتباطات در سرزمین‌های مسلمانان اهمیتی نمی‌دهند؛ چنان‌که ستم‌گری‌ها را در غزه به دست یهودیان شاهدیم

و قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا، انگلیس و فرانسه از روز اول همراه با دولت یهود صف‌آرایی کردند. اما همین کشورها در جنگ روسیه و اوکراین بیکار نشستند؛ زیرا با نصرانیان هم‌نژاد هستند. در طول جنگ جهانی دوم، کشورهای نصرانی هیچ اهمیتی به انداختن دو بمب اتمی بر سر جاپان ندادند؛ زیرا این کشوری است که مردم آن مانند نژاد اروپایی سزاوار شفقت و مهربانی نیستند! حقیقتی که هیچ کس نمی‌تواند انکار کند، اینست که سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه آن‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمدند، دو هدف اصلی داشتند:

اول) توانمند ساختن قدرت‌های بزرگ به رهبری آمریکا جهت دستیابی به منافع استعماری‌اش از طریق نهادهایی که قوانین و تشریحات آن‌ها به دقت تدوین شده است تا این کشورهای استعمارگر بتوانند به طور کامل به منافع خود دست یابند. از نظر مالی و تجاری، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی تأسیس شدند که به اکثر کشورهای جهان قرض‌هایی را تحمیل کردند که قادر به پرداخت آن نبودند. سپس ارزش مشخصی را به آن‌ها تحمیل کردند و به آن صفت قداست دادند که هیچ کس حق ندارد درباره پوشش این ارزش مانند دلار سوال کند.

دوم) هدف دیگر این بود که این نهادها را به پرده‌ی آهنین نفوذناپذیری تبدیل کنند که بین مردم و دولت‌های ضعیف و دولت‌های بزرگ قرار گیرد؛ به طوری که اگر به دست یکی از دولت‌های بزرگ بلایی بر سر کشوری بیفتد، این دهلیزهای سازمان ملل و حتی شورای امنیت است که دروازه‌های آن کاملاً باز است و تنها کاری که می‌توانید انجام دهید، اینست که وارد دهلیزهای آن شوید و شکایت کنید؛ چنان که می‌خواهید اشک بریزید؛ اما هرگز نمی‌توانید به آرزوی خود برسید، یا به هدف خود دست یابید و یا هم ظلم و ستم را از مردم و دولت خود بردارید؛ کاری که آمریکا در اشغال عراق و افغانستان و قبل از آن در نابودی صدها هزار انسان در ویتنام و کوریا انجام داد. هیچ کس نمی‌توانست به صورت مستقیم به آن دسترسی داشته باشد. اگر شما اراده و تقاضایی دارید، بفرمایید! این دهلیزهای سازمان ملل است و تنها کاری که می‌توانید اینست که شکایت خود را به ایشان پیش کنید.

موضوع فلسطین از زمان تحمیل اشغال یهودیان بر آن تا به امروز در دهلیزهای شورای امنیت و سازمان ملل به رفت و آمد و چرخش ادامه داده و آن را پس از هر قطعنامه‌ای، دورتر از راه‌حل عادلانه می‌بینید. اقداماتی که رژیم اشغالگر فلسطین در غزه انجام داد، ناقض تمام قوانین بین‌المللی موجود در روز روشن بود؛ اما این رژیم به حال خودش رها شد تا هر کاری می‌خواهد انجام دهد؛ زیرا کشورهای اروپایی نصرانی کسانی بودند که این رژیم را برای تأمین منافع خود ایجاد کردند. بنابراین، قوانین بین‌الملل در مورد آن صدق نمی‌کند.

اگر رژیم یهودی لحظه‌ای منافع غرب نصرانی را نادیده بگیرد، متوجه می‌شوید که آن را در برابر هر سنگی که می‌زند، هر کودکی که می‌کشد یا هر ساختمانی که ویران می‌کند، محاسبه خواهند کرد. اما یهودیان به خوبی می‌دانند که از شر دولت‌هایی که قوانینی را برای مجازات متهمین‌شان وضع می‌کنند، در امان هستند.

در مقابل همه‌ی این‌ها، مسلمان‌ها نباید جزء این نهادهای بین‌المللی باشند و نباید به ظلم و ظلمات آن‌ها تسلیم شوند و تکیه کنند؛ بلکه باید به صورت مستقیم با دشمنان‌شان مقابله کنند؛ نه از عقب نظام‌هایی که از آغاز خود در قرن شانزدهم برای جنگ با اسلام و مسلمین به‌وجود آمده‌اند.

کسی که امروزه خواستار محاکمه‌ی دولت یهود در محکمه‌ی بین‌المللی است، باید بداند که این محکمه و قانون آن در ابتدا برای مبارزه با دولت عثمانی و با آن دولتی که حتی اگر از نظر قومی از فرزندان آن باشد، ایجاد شده است.

دولت خلافت اسلامی به اذن الله سبحانه و تعالی آمدنی است و یکی از اولویتهای اول آن همین خواهد بود که این نهادهای دروغین را که امریکا و اروپا پشت آن سنگر گرفته‌اند و آن را چون دیوار حفاظتی برای خود قرار دادند، تخریب کند تا درگیری با دشمنان الله سبحانه و تعالی و دشمنان امت به صورت مستقیم باشد و سبب شود که الله سبحانه و تعالی توسط ما ظلم ستمگران را دفع کند و ما واقعاً از حقوق بندگان دفاع کنیم و عدالت را در میان مردم برقرار سازیم.

﴿وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ [حج: 40]

ترجمه: اصلاً اگر الله (سبحانه و تعالی) بعضی از مردم را به وسیله بعضی دفع نکند (و با دست مصلحان از مفسدان جلوگیری ننماید، باطل همه جاگیر می‌گردد و صدای حق را در گلو خفه می‌کند، و آن وقت) دیرهای (راهبان و تارکان دنیا) و کلیساهای (مسیحیان) و کنشت‌های (یهودیان)، و مسجدهای (مسلمانان) که در آن‌ها الله (سبحانه و تعالی) بسیار یاد می‌شود، تخریب و ویران می‌گردند. (اما الله سبحانه و تعالی بندگان مصلح و مراکز پرستش خود را فراموش نمی‌کند) و به طور مسلم الله متعال یاری می‌دهد کسانی را که (با دفاع از آئین و معابد) او را یاری دهند. الله سبحانه و تعالی نیرومند و چیره است (و با قدرت نامحدودی که دارد، یاران خود را پیروز می‌گرداند و چیزی نمی‌تواند او را درمانده کند و از تحقق وعده‌هایش جلوگیری نماید).

برگرفته از شماره 470 جریده‌ی رایه

نویسنده: دکتر محمد جیلانی

مترجم: احمد صادق امین